

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۴ جولای ۲۰۲۲



یونس نگاه

سیاست و خشونت

ادریس رحمانی سیاست را به میدان مسابقه رزمی تشبیه کرده است که در آن خشونت و زورگویی کارسازتر از اندیشمندی است. او از عبدالرشید دوستم به عنوان فرد موفق سیاست یاد کرده که توانائی او در خلق خشونت را گویا فارسی زبان‌های شمال افغانستان جدی نگرفته و مسخره می‌کرده‌اند (عکس ضمیمه).

آقای رحمانی می‌گوید یکی از خطاهای مردم افغانستان این است که خشونت را در کودکان سرکوب می‌کنند. او در سیاست خود را پیرو ریالیزم می‌خواند و ریالیزم را به خونسردی، دوری جستن از عواطف و منفعت‌جوئی خشک و بدون توجه به هیچ‌گونه معیار اخلاقی خلاصه کرده است.

با این روش آقای رحمانی تصویر اشتباهی از اتفاقات افغانستان، روحیه مردم و باورهای آنان ارائه می‌کند. او باور دارد که یکی از علت‌های شکست سیاستمداران افغانستان نادیده گرفتن نقش خشونت است و خانواده‌ها به خاطر سرکوب خشونت در کودکان به این ناکامی کمک کرده‌اند.

در حالی که در ریالیزم سیاسی خشونت عریان و فی‌الذفسه هیچ ارزش ندارد بلکه خشونت محاسبه شده‌ای که نتایج نهائی آن سودمند باشد مجاز پنداشته می‌شود. مثلاً سرکوب سارقان برای تأمین امنیت راه، سرکوب مهاجمان برای جلوگیری از غارت و تجاوز در ریالیزم سیاسی موجه است. این خشونت البته خشونت جمعی، دستگاهی و اداری است نه خشونت فردی و خونخواری قومندان‌منشانه.

خشونت عریان و تربیت جنگلی که دوستم، گلبدین، مزاری، حفیظ‌الله امین، نجیب الله، احمدشاه مسعود و حقانی بزاید نه در گذشته باعث پیروزی شده و نه در آینده پیروزی به‌بار خواهد آورد. در میان افراد یاد شده نجیب و مسعود موفقیت سیاسی بیشتر داشتند. علت آن توانائی سازماندهی و ظرفیت اداری و فکری بیشتر آنان بود نه برجستگی شخصی‌شان در اعمال خشونت.

آقای رحمانی دوستم را برای ازبیک‌ها بسیار پر دست‌آورد خوانده است. این خطای محاسباتی او ناشی از توجه بیش‌ازحد به میکانیزم‌ها و شکلیات است و رنه پیروزی در سیاست، برد نهایی میدان و آوردن تغییر بنیادی است نه شمردن بوکس‌ها، گورهای دسته جمعی، فتح سنگر و زخم‌هایی که به جان حریف می‌گذارد. پیروزی آن است که سیاست و تدبیر یا اعمال فشار و حتی خشونت به وادی آزادی، برکت و همراهی مردم منتهی شود. با این حساب در افغانستان نه رهبران طالب و نه هیچ یکی از رهبران تنظیمی پیش از طالبان پیروزی داشته است.

خلاف ادعای آقای رحمانی توسل به خشونت، بی‌عاطفگی و عدم پایبندی به اخلاق در شکست رهبران و تنظیم‌ها نقش داشته است. سیاستمداران ما کوتاه‌اندیش، خشن، دهاتی، زورگو و تکرو بوده‌اند و ازین‌رو برد نداشته‌اند. خانواده‌های افغانستان از محیط جنگلی که در آن هرکس باید منفعت شخصی لحظه‌ای خود را تعقیب کند، به تربیت مدنی که آدم‌ها به ارزش منافع جمعی و درازمدت آگاه شوند، ارتقاء نیافته‌اند. خانواده‌های افغانستان زندگی را میدان خروس‌جنگی، بزکشی و سگ‌جنگی تصور می‌کنند که در آن کار تیمی، تدبیر، دوراندیشی، گذشت، عاطفه و تحمل جای ندارد بلکه تنها راه زنده ماندن لگد کردن دیگران و چون خروس جنگی همیشه آماده حمله بودن است.

آن ریالیزمی که آقای رحمانی از آن صحبت می‌کند، سیاست نیولیبرالیستی است که در آن جامعه مفهوم ندارد و جهان جولان‌گاه خواست‌های فردی می‌باشد. برای تغییر افغانستان و پایان این قومندان‌جنگی‌ها باید حس بردباری، تحمل دیگران، ظرفیت دوراندیشی، فکر کردن به پیروزی‌های بزرگ، کار گروهی، آگاهی طبقاتی/صنفي/ اجتماعی و درک منافع جمعی را ترویج کنیم.

ضمیمه:

۳. اشتباه در انتخاب هدف: یکی از بزرگترین خطای مردم ما در دنیا سیاست اینست که نمیدانند هدف در دنیای سیاست چه است. همیشه سیاست مدار را با یک دانشمند - با یک عارف - با یک شاعر - و یا هم با یک داکتر فزیک اشتباه میگیرند. بطور مثال آنها فکر میکنند انسانی که بسیار صادق - مهربان و نیکو کار باشد بهترین رهبر برای دنیای سیاست خواهد بود. شما خود تصور کنید. اگر قرار باشد از شما کسی بخواهد بروید و برای تیم مشت زنی قریه تان یک رهبر انتخاب کنید باز شما دنبال یک ادم صادق - مهربان - و نیکو کار خواهید گشت و یا یک ادم خشن - زور گوی - بی رحم و ترسناک؟

دلیلی که مردم در اینکار پیوسته اشتباه میکنند اینست که آنها هنوز نمیدانند هدف در دنیای سیاست چه است. در عین زمان ما از طفولیت خصوصیات زور گوی - خشن بودن و بی رحم بودن را در طفلان سر زنش میکنیم. این خصوصیات از نظر مردم ما خیلی بد است ولی متوجه نیستند که در میدان های جنگ و سیاست دقیق همین خصوصیات است که شما را فاتح میسازد. بطور مثال در دهه های ۸۰ و ۹۰ اکثر مردم فارسی زبان شمال برای ازبیک ها میگفتند که رهبر شما یک ادم بی رحم - خشن - ادم کش و بی تحصیل است. در آنزمان جنرال دوستم را با داکتر نجیب و یا احمد شاه مسعود مقایسه میکردند. امروز میبینیم که همان خصوصیات جنرال دوستم برای مردم ازبیک صدها مرتبه بیشتر به کار آمد تا خصوصیاتی که مردم فکر میکرد او ندارد.

دنیای سیاست دنیا تقلا و رزم بخاطر بدست آوردن منفعت است.

این جمله را هیچ وقت از یاد نبرید. اگر میخواهید در این دنیا موفق باشید چشم از دو چیز بر ندارید: